



۰۳/۰۲/۲۰۱۹

انجنیر عبدالصبور صافی

صلح قهقرائی داکتر زلمی خلیلزاد فاجعه در حال شکل گیری 2019

در این روزها بازار گفتگوهای صلح و قطع جنگ همه جا گرم است ولی این صلح چیست که همه تشنه آن اند بعضی ها برای آمدن صلح قیمت لایتنای تعیین میکنند بعضی ها از آمدن این صلح در هراس اند، بدون شک که صلح یک ضرورت نهایت میرم و عاجل است ولی گاهی هم برای یک لحظه کوچک اندیشیده ایم که چه نوع صلحی میتواند درد ملت را دوا کند زیرا این صلح بازی کودکانه نیست این صلح بین دوفرد و دوجوان نیست این صلح بین دوقوم و دو گروه نیست این صلح بین افغانهای آزاد و افغانهای محکوم است، افغانهای آزاد بدین معنی که اینطرف همه چیز روشن و آشکار است دولت، قانون و روابط خارجی روشن اگر خارجیها هم حضور دارند به اساس یک موافقه آمده حتی اگر آنرا اشغال بنامیم مگر پنهان نیست، ولی طرف دیگر افغانهای محکوم یعنی یک کتله بزرگ افغانها در گروه یک گروهی متحجر وابسته با استخبارات منطوقی همه چیز آن پت و پنهان که این کتله عظیم افغانها را در قبضه خود گرفته، با وجود که از استخبارات منطقه تغذیه میشوند و برای منافع آنها داخل جنگ اند ولی این همه را انکار میکنند، حرف از خدا و رسول میزنند ولی انفجار در مسجد و اماکن مقدس انجام میدهند، ناگفته نماند که همین گروه (طالبان) بود که امریکا را آورد در افغانستان مستقر ساخت بخاطر اسامه، پس صلح حال یک معنی و مفهوم دیگر بخود میگیرد اگر از معنی لغوی صلح که همانا آشتی و سازش است بگذریم صلح منحیث آرمان ملی خواست هرانسان در سطح ملی و بین المللی است و منافع هر کس در صلح نهفته است البته که هستند بعض افراد و قدرتهای جنگ افروز که، جنگ را برای حفظ منافی شان ترجیح میدهند.

هر آنکسیکه فکر میکند قطع جنگ، صلح است و برای آن هر قیمتی را می پردازند جداً اشتباه میکنند، بدون شک که قطع جنگ میتواند پیش زمینه برای صلح واقعی باشد ولی هرگز صلح پایدار و واقعی شده نمی تواند، صلح باید بر علاوه قطع جنگ شرایط و آرامش فکری، ذهنی، سیاسی و فرهنگی یا به عباره دیگر رفاء اجتماعی، توسعه اجتماعی، روابط گسترده با جهان و همگام شدن با پیشرفتهای جهانی را فراهم سازد، صلح معنی و مفهوم مطلق نیست، میتواند نظریه شرایط و خواست منافع نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تعریف مشخص و متفاوت پیدا کند، مانمی توانیم صلح که در یک زندان مستولی است را صلح بنامیم و افتخار کنیم که صلح آفرینی کردیم، افغانستان در این هجده سال دستاوردها و ارزش هایش را بدست آورده است، قوای مسلح را به پای ایستاد کرده و این قوای مسلح هزاران سرباز قربانی داده است این همه قربانی بخاطر حفظ ارزشهای انسانی و دموکراسی و ایجاد یک جامعه مرفع و متمدن بوده چطور میتوانیم این همه را یکباره بخاطر منافع دیگران زیر پا کنیم و همه چیز را از سر بنیان نهمیم!

صلح گُوشی صلح آفرینی، صلح ماندگار و صلح تحقیقی اصطلاحات سیاسی اند که هر یک در جای خود دارای ارزشهای خود است.

فیلسوف نامدار آلمانی «امانوئل کانت» در سال ۱۷۹۵ میلادی کتابی با عنوان «صلح ماندگار» نوشت و برای صلح ماندگارش اصل را پیش کرد که مورد پسند مردم قرار گرفت.

- ۱- برقراری صلح، هرگاه با یک شرط مخفی برای جنگ در آینده باشد، معتبر نخواهد بود.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: د لیکني د لیکنيزي بني پاوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

- ۲- هیچ کشوری مستقل موجود نباید از راه وراثت مبادله، خرید و فروش و... تحت مالکیت کشوری دیگر در آید.
- ۳- ارتش‌های ثابت به تدریج باید برچیده شوند.
- ۴- هیچ کشوری نباید خود را به واسطه امور برون مرزی همچون جنگ مقروض کند.
- ۵- هیچ کشوری حق ندارد با تمسک به زور در تشکیل یا ادراه کشوری دخالت کند.
- ۶- هیچ دولتی نباید به هنگام جنگ با کشوری دیگر به خود اجازه تمسک به آن قبیل اقدامات خصمانه‌ای را دهد که اعتماد دو طرفه میان طرف‌های درگیر را برای صلح آینده ناممکن می‌سازد.

افغانها صلح پایدار میخواهند این صلح میکانیزم و ارزشهای دارد که باید در نظر گرفته شود، آقای زلمی خلیل‌زاد منی‌حیث یک امریکائی افغان الاصل نباید کاری کند که افغانستان را در زندان [کوری طالبانی] بنام [صلح آفرینی] رها کند و نزد مقامات امریکائی کردت [صلح آفرین] را بگیرد درحالی‌که انسانیت را در افغانستان به قتلگاه بفرستد و شرایطی را ایجاد کند که بازافغانها بخاطر آزادی و دموکراسی قدام کنند و دست به سلاح ببرند، مصاحبه داکتر زلمی خلیل‌زاد با تلویزیون یک کاملاً روشن است که با طالبان موافقه شده تا کلید قدرت برای آنها سپرده شود، وقتی داکتر خلیل‌زاد از قول طالبان ها میگوید که دیگر طالبان هرگز آن طالبان گذشته نیستند و گذشته را ناکام میدانند کنایتاً داکتر غنی را به ندادن قربانی در راهی صلح متهم میکند و تلاش دارد تا دولت انعطاف و خودگذری کند معلوم است که در مورد انتقال قدرت بحثها و خامه موافقه ها ریخته شده است.

آقای خلیل‌زاد میگوید که مذاکرات در قطر بسیار خوب به پیش رفت!
 آیا ۶ روز مذاکرات پشت درهای بسته روی جدول خروج امریکامیچرخید؟
 سؤال اینست ۱۴۰ هزار سرباز امریکایی که در زمان آقای اوباما افغانستان را ترک کردند بالای کدام جدول با طالبان بحث کرده بودند که اکنون شش روز بحث میکنند؟
 قضایا را نباید سطحی گرفت در این شش روز مذاکرات موضوعات بالای طالبان قبولانده شده باشد که منافع امریکا را در منطقه گسترش و تضمین کنند و در برابر آن امریکا تخت و تاج افغانستان را به طالبان تحویل خواهد داد، ممکن احتمالاً میکانیزم تحویل دهی قدرت به طالبان مورد بحث و مخفی نگهداری میگردد چون اگر میکانیزم افشاء شود باز دولت که توسط طالبان تشکیل خواهد شد یک دولت دست نشانده از طرف امریکا خواهد بود!
 چیز که بسیار توجه را جلب میکند همانا پنهان کردن محتوای مذاکرات است پس مذاکرات که از ملت درخفا انجام میشود بدون چون چرا به نفع ملت نمیتواند باشد، چنانچه کراکر، سفیر پیشین امریکا در افغانستان، گفتگوهای اخیر امریکا و طالبان را با گفتگوهای سال ۱۹۷۳ میلادی میان واشنگتن و ویتنام شباهت می‌دهد و می‌گوید ما فقط روی شرایط تسلیمی مان بحث کرده‌ایم. آقای کراکر در یک سرمقاله برای روزنامه امریکایی واشنگتن پوست، که روز سه شنبه ۳۰ جنوری ۲۰۱۹ به نشر رسید، نوشته است که «توافق روی چارچوب صلح میان دو طرف (امریکا و طالبان) در نبود حکومت افغانستان و به خواست طالبان انجام شد و این به این معنا است که ما خود حکومتی را که ادعای پشتیبانی آن را داریم مشروعیت ندادیم. توافقنامه چارچوب صلح که روز دوشنبه اعلام شد خواهان آتش بسی است که می‌تواند منجر به خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان شود به شرط آن که طالبان تعهد کنند که برای سازمان‌های هراس افگنی را که امنیت امریکا را تهدید می‌کنند پناهگاه نمی‌دهند و یا به گفته آقای کراکر طالبان تعهد کرده اند که روپداد یازدهم سپتامبر دوباره تکرار نمی‌شود.»

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښکولې. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

فرض کنیم اگر قدرت بدست گروه طالب بیافتد آیا چه کسی میتواند تضمین کند که مردم شرایط آرام فکری، روحی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بدست میاورند و ملک به طرف ملوک الطوائفی نمیرود؟؟
آیا کسی میتواند تضمین کند که مردم اختیار ریش خود را داشته باشند؟
آیا کسی میتواند تضمین کند که آزادی های فردی زیر تازیانه افراد جاهل و بیخرد مانند سالها قبل قرار نمیگیرد؟
آیا چه کسی میتواند تضمین کند که مردم بخاطر آزادیهای فردی و اجتماعی خود دوباره دست به قیام های بعد از این صلح نمی زنند؟؟
آیا کسی میتواند تضمین کند که طالبان آن گروه متحجر گذشته نیستند در حالیکه تا کنون نه خط مشی طالبان و نه پلان صلح شان روشن و آشکار است؟

بعضی از سیاسیون که پشت میزهای مدورتلوژیون ها قرار میگیرند و گلوپاره میکنند که اشرف غنی باید قربانی بدهد و از مقام دست بردارد این افراد همان مفسدین و یوا بسته گانشان اند که امتحان خود را در گذشته داده اند و اکنون که از قدرت کنار زده شده میخواهند باز راهی گنجشک برای رسیدن به قدرت برای خود پیدا کنند باید گفت که سخت اشتباه میکنند!
من به این سیاسیون میگویم که لطفاً یکبار آنچه که طالبان در ساحات تسلط خویش انجام داده اند را دقیق بیطرفانه و عادلانه مطالعه کنید!

شرایط زندگی مردم سطح رفاء توسعه اجتماعی خدمات صیحی مهمتر از همه معارف در ساحه تسلط طالبان در چه حال است!؟

از همه اولتر قوم پشتون را تماشا کنید که به خاک سیاه نشانده شده در مناطق پشتون نشین نه کتاب است و نه قلم، نه درس و نه مکتب همه اولاد پشتون ها بی سواد و جاهل بار آمده اند، یک نسل در حالت انقراض علم و دانش قرار دارد، و این عمل صرف منافع پاکستان را تأمین میکند که از زمان خروج انگلیس ها از هند بریطانوی در ساحه پشتون نشین آنطرف خط اساس گذاشته شد، آنها میگویند ما به گذشته نمیرویم و تجربه ناکام گذشته را تکرار نمی کنیم ولی عملاً مایل و ایفون افراد را زیر سنگ میکنند اطفال و جوانانیکه را در میدان فوتبال یا به رگبار می بندند و یا انتحاری میکنند مکتب ها را حریق میکنند زنان را اجازه دوا و داکتر و معالجه نمیدهند از مکاتب مضامین ساینسی را حذف میکنند در مساجد انتحار و یا ترور میکنند آیا دین همین را گفته است؟

آیا فقط عالمان دین صرف طالبان اند و دیگران خرکار؟ واقعاً مضحک نیست!؟
بناً از گفته های بی مسولیت باید پر هیز کرد با قضا یا برخورد عینی داشت نه عاطفی، تعصبی و سیاسی! جادارد این بحث را به این گفته داکتر غنی پایان دهم که میگوید:
«مذاکرات ما با طالبان بدون قید و شرط است، اما صلح ما شرایط دارد. صلح آمدنی است و در اراده ما باید شک وجود نداشته باشد».

حکومت موقت و عواقب آن:

اگر از حرفهای اضافی بگذریم اولین حکومت موقت به ریاست صبغت الله مجدد در سالهای تبعید در پاکستان شکل گرفت که بعد در سال ۱۳۷۱ بتاریخ ۸ ثور بکابل انتقال یافت عمر این حکومت دوماه بود در طول این دوماه حضرت مجددی فقط رتب جنرالی، قباله و زمین برای شهرکها توزیع کرد و پس، بعد اداره حکومت موقت به برهان الدین ربانی تعلق گرفت، می بایست ربانی برای ۴ ماه در قدرت میبود ولی وی در ظرف این چار ماه شورای اهل حل و عقد خود خوانده را تشکیل کرد و به اریکه قدرت تکیه زد فیصله شورای اهل حل و عقد سبب شد که جنگهای تنظیمی در شهر کابل براه انداخته شود که ۵۰۰ هزار کابلی را کشته، آواره و در بدر ساخت تا در سال ۱۳۹۶ توسط طالبان به فرار مجبور و با چوکی ریاست جمهوری به تخار انتقال یافت، بعد بر اساس موافقتنامه که در سال ۱۳۸۰ درین به امضا رسید، باز اداره موقت افغانستان به ریاست حامد کرزی تصویب و در اول جدی ۱۳۸۰ رسماً قدرت را از برهان الدین ربانی که دولت بدون پایتخت مشخص داشت

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

تحويل گرفت، مدت کار آقای کرزی در این مقام شش ماه تعیین شده بود (لویه جرگه) جوزای ۱۳۸۱ او را برای دو سال دیگر در مقام ریاست دولت انتقالی ابقا کرد، بعداً آقای کرزی در سال ۱۳۸۳ در انتخابات اشتراک نمود و برای دو دور متواتر رئیس جمهوری منتخب مردم افغانستان بود، آقای کرزی در طول زمامداری موقت و منتخب خود فقط سفرهای به کشورهای خارج کرد و خوش گزارانی نمود از کمک های خداداد غرب هیچگونه استفاده موثر نکرد نه سازماندهی امور دولتی موجود بود و نه مدیریتی فقط خورد خورد فساد مافیا رشد داده شد، سیاست های وی باعث شد که نفاق سیاسی اجتماعی لسانی و مذهبی تشدید گردد و کمکهای باد آورده به هدر برود و وطن در چنان فلاکت فرورود که تا اکنون ملت رنج این سیاست های نابکار را تحمل میکند، کرزی یگانه کار خوب که کرد انتقال قدرت به صورت مسالمت آمیز به دکتر اشرف غنی رئیس جمهوری منتخب که با ۸ میلیون آرای مردم برگزیده شد، بود.

دکتر اشرف غنی تا اکنون توانست امور اداری را اصلاح کند دست مافیا اقتصادی را تا اندازی زیاد کوتاه و پروژه های خوب عمرانی و اقتصادی را روی کار کند، وی افغانستان را نسبتاً به پای خود استاد کرد و از احتیاج پاکستان بیرون کشید پروژه های خورد و بزرگ اعمار شد خطوط ریل آمد و افغانستان از راهی لاجورد به اروپا و پلهای هوایی به کشورهای منطقه وصل شد صادرات کشور رشد کرد به امور زنان و جوانان رسیدگی صورت گرفت و اداره دولت را از مفسدین تا اندازی زیاد پاک کاری و امور به جوانان سپرده شد.

دکتر اشرف غنی مقامات امریکائی را آماده ساخت تا طالبان را برای مذاکره با دولت افغانستان بنشانند تلاش های دکتر غنی سبب شد تا امریکا نماینده خاص خود دکتر زلمی خلیلزاد را برای گفتگو با طالبان تعیین کند امیدواریم دکتر خلیلزاد این وظیفه را با کمال ایمان داری و آرزوهای ملت رنجکشیده افغان آنطور که شاید و باید است موفقانه انجام دهد تا نام نیک از خود بجا بگذارد نه مانند بن اول که فاجعه آفرید و رنه امروز ما یک دولت ناکام نمی داریم و صلح از همان روز اول سقوط طالبان تأمین میبود!

بعضی ها حرف و حدیث از ایجاد حکومت موقت بمیان میاورند گرچه زلمی خلیلزاد این موضوع را ظاهراً رد کرده ولی چنان معلوم میشود که یکسلسله زد و بند های بخاطر بیرون شدن امریکاییان از افغانستان با طالبان صورت گرفته است، تا امریکا به اصطلاح افغانی برای خود یک بینی خمیری بسازد به هر صورت امریکا در کوتاه مدت خواهد توانست یک بینی خمیری داشته باشد ولی بسیار زود چلوصاف آن از آب بیرون میاید زمانیکه افغانستان در یک باطلاق دیگر فرورود آنچه که بعد از سقوط دکتر نجیب الله واقع شد امروز تکرار آن متصور است.

بزرگترین اشتباه امریکا در مذاکرات صلح قطر:

● ۱- بجای گفتگوهای صلح، دکتر خلیلزاد حرف بیرون رفت قوای نظامی امریکا را با طالبان مطرح کرد، همزمان با این گفتگوها آقای پمپو وزیر خارجه امریکا گفت که «امریکا در خروج قوای خود از افغانستان جدی است».

● ۲- اگر واقعاً امریکامیخواست که در افغانستان صلح پایدار بیاید باید به صورت قطع مسئله خروج قطعات خود را علنی مطرح نمیکرد امریکا با وجود مخالفت ها با پاکستان باز هم به نفع و به خواست پاکستان عمل کرد و کلید قدرت دولتی را روی میز طالبان گذاشت.

این مسایل سبب شد که طالبان جان تازه بگیرند و خواست های جدید به شمول کنار زدن دکتر غنی و ایجاد حکومت موقت که رئیس آن به خواست طالبان تعیین خواهد شد را مطرح کنند، البته به احتمال زیاد امریکا از قبل در این خصوص سرمایه گذاری کرده و مهره را از قبل آماده نموده است که از ذکر نام آن در این شرایط حساس معذرت میخواستیم، به هر صورت ایجاد حکومت موقت برای افغانستان فاجعه آفرین است و بس، مگر اینکه این میکانیزم بایک قوت و حمایت

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

بیدریغ قدرتهاتا پایان کار حمایت گردد و بشکل متفاوت انجام شود، مگر این یک خواب است و محال، هر که پیشنهاد حکومت موقت را داده ویا میدهد در حق مردم افغانستان جفا بزرگ را انجام میدهد زیرا:

- ۱- تشکیل حکومت موقت خود زمان گیر وبا جارو جنجالهای همراه است که تمام گروه های مافیایی که توسط داکتر غنی از قدرت عزل شده اند باز جان تازه میگیرند و خود را در حکومت موقت شریک میسازند قدرت گیری این گروه ها به حکومت که در آینده به صورت منتخب شکل میگیرد بزرگترین درد سر ایجاد میکند حتی برای طالبان چنانچه برای داکتر غنی ایجاد کردند!
 - ۲- آیا میتوان حکومت موقتی را اساس گذاشت که در آن نه طالب باشد و نه تنظیم های جهادی و نه عزل شده گان دستگاه فاسد زمان کرزی ؟ نه هرگز نه!
 - ۳- آیا حکومت موقت توان خلع سلاح این تنظیم های جهادی و طالبان را دارد، ویا اینکه طالبان حاضر اند سلاح خود را تسلیم حکومت موقت بدهند کاریکه امریکا با ۲۴۰ هزار سرباز خود در مدت ۱۸ سال در افغانستان یا نتوانست ویا نکرد ؟ نه هرگزنی!
 - ۴- آیا کسی میتواند تضمین کند که حکومت موقت تمام وزرا و ریاست ها محاکم و قضا را بخواست خود از افراد بیطرف شایسته و اهل کارتعی کند که نه به طالب و نه تنظیم ها تعلق داشته باشند تا مورد دولتی را بصورت شفاف به پیش ببرند؟ هرگزنی!
 - ۵- آیا حکومت موقت توان ایجاد یک کمیسیون مستقل برگذاری انتخابات ریاست جمهوری را دارد که همه طرف های درگیر به صورت اخص طالبان آنرا قبول کند؟ هرگزنی!
 - ۶- آیا حکومت موقت توان تشکیل یک لویه جرگه بیطرف به خاطر تعدیل قانون اساسی کشور بدون حضور سران این تنظیم ها و گروه های مافیایی را خواهد داشت؟ هرگزنی!
- پس اگر چنین کار صورت گرفته نمی تواند و تشکیل حکومت موقت باز متشکل از طالبان و گروه ها و تنظیم های جهادی همان معجون بن اول باشد این ملت هرگز انتخابات آزاد و شفاف نخواهد داشت هرگز روز خوش نخواهد دید باز جنگ قدرت و کرسی و مقام خواهد بود همان آش و همان کاسه، دموکراسی که از اولین روز کنار رفتن دولت فعلی به ملت الودا میگوید، بنأ صلح اگر از یکطرف خود گذری و ایسار میخواد از طرف دیگر تدبیر و عقلانیت نیز ضرور است این ایسار و خودگذری باید دوطرفه باشد نه یکطرفه، ما تا رسیدن به یک صلح پایدار و ماندگار به زمان زیاد، تفاهم، اتفاق و خرد نیاز مبرم داریم، به نظر من بهترین راه، اجتناب از تکرار تجارب ناکام گذشته دوران هرگونه تعصب در این شرایط حساس کشور همانا حمایت بیدریغ از داکتر اشرف غنی است هر چه باشد داکتر غنی دست پاک و گراف کارکرد بالا در این چارسال دارد بگذارد تا بتواند پلان صلح خویش را با تدبیر عملی کند.

پایان

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ